

سعدی و قرآن

www.ketab.ir

دکتر نظام‌الدین نوری کوتنایی

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر تهران

به نام خدای الهام بخش

همانطور که خود استاد سخن از خانواده اش سخن می راند و می گوید: همه ی اعضای خانواده ام مُنَدِّین و اهل دین بودند، ولی مرا معلم عشق تو شاعری آموخت. اما با این وصف سعدی از آیات قرآن و احادیث بهره می جسته است، در گذشته و حتی در دوره کودکی رسم بوده که غالب کودکان ابتدا قرآن را فرا می گرفتند و سپس به دبستان وارد می شدند.

در ابتدای گلستان می خوانیم منت خدای را عَزَّ و جَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزین نعمت و سپس می گوید:

ای کریم کز زانه غیب کبر و ترسا وظیفه خورداری
دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمن این نظر داری؟

سعدی در غزلیاتش می سازد:

مرا شکیب نه باشت در مسلمانان زردی خوب تکلم دینکم ولی دین (سوره کافرون، آیه ۶)
و یا، امشب آن نیست که در خواب روزگارشم ندیم خواب در روضه رضوان نکند اهل نعیم (سوره فاطر آیه ۳۲)
و یا، من اهل دوزخم، ای بی تو رنده حواشم بد که در بهشت نیارد خدای غمگینم (سوره فاطر آیه ۳۶)
سعدی ارادت خود را نسبت به خدا پیامبر و ائمه طهارتشان داده است.
وی قصیده ای بسیار زیبا و پر محتوی سرود است که همه این موارد را می توان بخوبی در آن مشاهده کرد:

شکر و سپاس و منت و عزت خدای را
دادار غیب دان و نگهدار آسمان
اقرار می کند دو جهان بر یگانگیش
بی سکه قبول تو ضرب عمل دَغَل
چندین هزار سکه پیغمبر زده
الهامش از جلیل و پیامش ز جبرئیل
در نعمت او زبان فصاحت که را رسد؟
کس را چه زور زهره که وصف علی کند
دیاچه ی مروت و سلطان معرفت
یا رب به نسل طاهر و اولاد فاطمه
یا رب به صدق سینه ی پیران راستگویی
بهر خدای که خلق و خداوند کبریا
رزاق و رزق پرور و خلاق رهنما
یکتا و یکتا میان بردارش دو تا
بی خاتم رضای تو سی اهل هبا
اول به نام آدم و اخیر به مصطفی
رایش نه از طبیعت و نطقش نه از هوی
خود پیش آفتاب چه پرتو دهد سها
جبار در مناقب او گفته هَلْ آتی
لشکرش فتوت و سردار القیا
یا رب به خون پاک شهیدان کربلا
یا رب به آب دیده ی مردان آشنا

دل‌های خسته را به کرم مرهمی فرست
یارب به لطف خویش گناهان گناهان ما بپوش
ای نام اعظمت در گنجینه‌ی شفا
گر تقویت کنی ملک بگذرد بشر
روزی که رازها فتد از پرده بر ملا
کردی تو آنچه شرط خداوندی تو بود
ور تربیت کنی، به ثریا رسد ثری
ما در خور تو هیچ نکردیم ربنا

سعدی خواص ذاتی اشیا را یک یک بر می‌شمارد و آن‌ها را دلیلی بر وجود صانع می‌داند و می‌گوید:
آن صانع ایف که برفرش کائنات
ترکیب آسمان و طلوع ستارگان
از چوب خشک میوه در می‌سکر نهاد
بحر افرید و درختان آدمی
چندین هزار صورت الوان نگار کرد
از بهر عبرت نظر هوشیار کرد
وز قطره دانه‌ی ذر شاهوار کرد
خورشید و ماه انجمن و لیل و نهار کرد

از خصوصیات شگفت انگیز سعدی، طبع و شهادتی است که در حقیقت گویی‌اش بکار برده است، سعدی حقایق را به نظم و نثر بی‌برده آشکار کرده، چنان که فریاد می‌کشد: که در هیچ زمان کسی به این صراحت سخن نگفته است.

با این که سعدی متدین و مذهبی بوده ولی هیچ گاه تعصب و تدبیر خود را دست‌آویز آزار مخالفان دین و مذهب خود نساخته است و جفاکاری را با انسان را نمی‌داشته است. سر و پای وجود وی با مهر و محبت بوده و خویش و بیگانه، دوست و دشمن را به برکت محبت خود قرار می‌داده است. وی عاشق بوده و وجودش از عشق سرشته شده بود کمتر کسی تا سعدی عشق را توانسته درک کند، عشق از نظر او بسیار جدی بوده و او عشق را از مخلوق شروع می‌کند و سپس به خالق می‌رسد. سعدی در سال‌های آخر عمر بیرون از شهر شیراز در چمنزار سبز و خرمین بصره ای تنهایی گزید و در آنجا معتکف گشته و به عبادت مشغول شد. بزرگانی که در حق شیخ ارادت داشتند، هر روز به دیدار او می‌آمدند. گویند یکی از زاهدان شبی خواب دید که در بارگاه قدس میان کر و بیان شور و شعفی برپا ساخت و این شعر سعدی را زمزمه می‌کند:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
صبح به جانب خانه شیخ شتافت که خواب شب گذشته را به او باز گوید و همین که داخل شد، دید خود شیخ نیز همان بیت را می‌خواند، لذا بی‌درنگ دست در دامن وی زد و از مریدان او گردید. سعدی در شعر پیروان زیادی پیدا کرده است و حتی حافظ او را استاد سخن نامید.

دکتر نظام الدین نوری